

گذری بر تولد حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

در بررسی شخصیت افراد برتر، تحلیل عوامل مزبور موجب می‌گردد به جوانب درونی آنها راهی پیدا کنیم. با در نظر گرفتن این نکته، هر چه این افراد در سطح بالاتری قرار گرفته باشند، این عوامل، با اهمیت تر و پیچیده تر می‌گردد و وقتی مسئله مربوط به «دعائم الدین»² (بزرگان دین، پایه‌ها و ستون‌های اصلی اسلام) می‌رسد - که مبحث عصمت برای آنها طرح می‌شود - موضوع حساسیت فوق‌العاده تری می‌یابد و نیاز به سندهای محکم تری دارد.

در مسیر برنامه‌ریزی شده الهی برای تولد حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، دو بخش قابل بررسی است:
بخش اول: اسرار پیش از تولد تا زمان تولد؛

بخش دوم: اسرار، کیفیت و نکات مربوط به هنگام تولد.

بر اساس حکمت الهی، تولد دختری که تکمیل‌کننده موضوع نبوت و پایه‌گذار مسئله امامت است و به القاب ام ابیها و اُمّوّمه الائمه (همان) مزین شده، نیازمند مقدماتی است که در صورت فراهم نشدن مقدمات، کار به سرانجام نمی‌رسد و به هدف نائل نمی‌شود.

اما در زمینه مقدمات تولد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در زمان حیات پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) اختصاصاً مواردی وجود دارد که بسیار قابل تأمل است.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) از نسل فردی است که خداوند درباره او فرموده است:

«خلقت الاشیاء لاجلک و خلقتک لاجلی»³

همه چیزها را برای تو و تو را برای خودم آفریدم.

در این بیان نورانی، عظمت وجودی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) به تصویر کشیده شده است؛ هرچند عقول ما از درک گنه آن ناتوان و عاجز است.

پیامبری که از حیث جسمی و نژادی نیز، به برترین قبیله و تیره اعراب منتسب و به نبی قُرشی⁴ معروف است،

وجود نازنین حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را بضعه؛ (پاره گوشت خود) می‌داند.⁵

1. اسرار قبل از تولد تا زمان تولد

این موضوعات و نکات، مواردی است که در احادیث بیان شده است و هدف ما در این گفتار، بحث سندی احادیث نیست؛ زیرا پرداختن به آن مجالی گسترده‌تر و فرصت دیگری می‌طلبد. غالب این موارد که در احادیثی با مضامین مشترک بیان شده، مورد اعتماد و وثوق علمای شیعه قرار گرفته است. محور کار، حدیثی است که علامه مجلسی آن را با سند مُفَصَّل بن عمر جعفی از قول امام صادق(علیه السلام) بیان کرده است.

1 - 1. بشارت خداوند به وجود حضرت فاطمه(سلام الله علیها) در معراج

پیش از تولد حضرت فاطمه(سلام الله علیها)، خداوند در معراج، بشارت تولد ایشان را به نبی خاتم(صلی الله علیه و آله) داده و فرموده بود:

«يَا مُحَمَّدُ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَشِّرُكَ بِفَاطِمَةٍ مِنْ حَدِيجَةَ بِنْتِ حُوَيْلِدٍ...»⁶

ای پیامبر! خداوند [ولادت] فاطمه را از خدیجه، دختر خویلد به تو بشارت می‌دهد.

بشارت پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به وجود مقدس حضرت فاطمه(سلام الله علیها)، آن هم در معراج، خود به تنهایی گویای اهمیت موضوع تولد ایشان است و می‌توان به جرئت گفت که این مسئله، یکی از مسائل حیاتی دنیای اسلام و مسلمانان بوده که از طرف خداوند در آن موقعیت به پیامبر(صلی الله علیه و آله) نوید داده شد. نکته دیگر در این حدیث، این است که خداوند نام مبارک حضرت فاطمه سلام الله علیها را نیز پیش از ولادت برای او تعیین کرده است. در مورد نام فاطمه وجه تسمیه‌های مختلفی بیان شده؛ از جمله رسول خدا(صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«لَإِنَّهَا قُطِمَتْ هِيَ وَ شِيعَتُهَا وَ ذُرِّيَّتُهَا مِنَ النَّارِ»⁷

زیرا او، شیعیان و ذریه‌اش را از آتش باز داشته و برکنار شده‌اند.

2 - 1. دوری گزیدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) از خدیجه (سلام الله علیها)

خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) دستور می‌دهد که باید چهل شبانه‌روز از حضرت خدیجه (سلام الله علیها) دوری گزیند.

در بخشی از حدیث آمده است:

«النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله) جَالِسٌ بِالْأَبْطَحِ وَمَعَهُ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ وَ الْمُنْذِرُ بْنُ الصَّخْصَاحِ وَ أَبُو بَكْرٍ وَ عُمَرُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ حَمْزَةُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ إِذْ هَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ فِي صُورَتِهِ الْعُظْمَى قَدْ نَشَرَ أَجْنِحَتَهُ حَتَّى أَخَذَتْ مِنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَنَادَاهُ يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ هُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَعْتَزَلَ عَنْ خَدِيجَةَ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً؛⁸

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در ریگزار ابطح با عمار یاسر، منذر بن ضحضاح، ابوبکر، عمر، علی ابن ابی‌طالب (علیه السلام)، عباس بن عبدالمطلب و حمزه بن عبدالمطلب نشسته بودند. ناگهان جبرئیل در صورت عظیمش بر او فرود آمد؛ بال‌هایش را از مشرق تا مغرب گسترانیده بود. پس ندا داد: «ای پیامبر بزرگوار! خداوند بر تو سلام می‌فرستد و به تو دستور می‌دهد که چهل روز از خدیجه فاصله بگیری.»

در این قسمت از حدیث، دو نکته قابل تأمل است:

اول اینکه جبرئیل (علیه السلام) با هیبت اصلی خود (با بال‌های گسترده) بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرود آمد. این مسئله نشان می‌دهد که حامل پیامی بسیار مهم برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است؛ همچنان که برای اعلام امر رسالت هم با هیبت کامل بر رسول الله (صلی الله علیه و آله) ظاهر شد؛⁹ نکته دوم، واژه «يَأْمُرُكَ» خداوند به تو دستور می‌دهد» است. این نکته، متضمن این معناست که دستور لازم الاجرا و دارای وجوب فوری است؛ زیرا خداوند از عشق فراوان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به یکدیگر آگاه بود و می‌دانست چنین دستوری بر آن دو حضرت، سنگین و مشقت‌بار است. از این‌رو، در ادامه حدیث آمده است:

«فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى النَّبِيِّ وَ كَانَ لَهَا مُحِبًّا وَ بِهَا وَامِقًا؛¹⁰

پس، آن بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) سنگین و سخت آمد؛ زیرا او عاشق و دلباخته همسر وفادار خویش بود.» ولی چون دستور، دستور الهی و لازم الاجرا بود، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر انجام آن، لحظه‌ای درنگ نکرد و از همان لحظه، امر الهی را شروع نمود؛ بدون اینکه واقعیت امر را به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) اطلاع دهد. از این‌رو، آن حضرت در روزهای آخر دوره، عمار یاسر را به خدمت خدیجه (سلام الله علیها) فرستاد و به او فرمود:

«به خدیجه بگو:

يَا خَدِيجَةُ لَا تَنْظُنِّي أَنَّ انْقِطَاعِي عَنْكَ [هِجْرَةً] وَ لَا قَلَى وَ لَكِنْ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَنِي بِذَلِكَ لَتَنْفِذَ [لِيُنْفِذَ] أَمْرَهُ فَلَا تَنْظُنِّي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيَبَاهِيَ بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَّارًا؛¹¹

گمان نکن که من از تو بریده و تو را رها کرده‌ام؛ بلکه پروردگارم برای اجرای آن به من دستور فرموده است. در آن،

خیر بیانیدیش. خداوند هر روز به وجود تو به بزرگان فرشته‌ها افتخار می‌کند.» لازم به ذکر است که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) نیز در همین ایام به دستور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در منزل مانده بود و نمونه بارز آیه «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» 13 در این ایام و در تمام عمر و برای دوری پیامبر (صلی الله علیه و آله) در حزن و نگرانی بود.

3 - 1. روزه گرفتن، قیام و عبادت شبانه در طول مدّت چهل شبانه روز

در بخشی از حدیث آمده است:

«فَأَقَامَ النَّبِيُّ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَصُومُ النَّهَارَ وَ يَقُومُ اللَّيْلَ؛ 14

پیامبر در این چهل روز، روزه دار بود و در شب به عبادت می‌پرداخت.»

او باید چهل شبانه روز، یادآور اربعین میقات حضرت موسی (علیها سلام) 15 با تمام مشکلات آن زمان و مسائل روزمره نوپای اسلام، در عبادت و بندگی سپری نماید.

در حدیث، بیان شده که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در پیغام خود به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) می‌فرماید:

«فَإِنِّي فِي مَنْزِلِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ؛ 16

من در منزل فاطمه بنت اسد، مادر اسدالله الغالب هستم.»

4 - 1. پایان چهل روز، نزول جبرئیل و میکائیل برای تحفه الهی

پس از سپری شدن «فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ»، جبرئیل (علیه السلام)، فرود آمد و گفت:

«يَا مُحَمَّدُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى! يُفَرِّتُكَ السَّلَامُ وَ هُوَ يَأْمُرُكَ أَنْ تَتَأَهَّبَ لِتَحِيَّتِهِ وَ تُحَفَّتِهِ. قَالَ النَّبِيُّ (صلی الله علیه و آله) يَا جَبْرَائِيلُ وَ مَا تُحَفُّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَ مَا تَحِيَّتُهُ قَالَ لَا عَلَمَ لِي...؛ 17

ای پیامبر بزرگوار! خداوند به تو درود می‌فرستد و به تو دستوری می‌دهد که برای هدیه و تحفه او آماده شوی. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به او گفت: «تحفه پروردگار چیست؟» جبرئیل گفت: «من به آن آگاهی ندارم.» در آن

وقت، میکائیل فرود آمد و با او ظرفی بود که با پارچه‌ای از سندس [یا استبرق] پوشیده شده بود. آن را جلوی پیامبر(صلی الله علیه و آله) گذارد.»

در قسمتی از حدیث آمده که جبرئیل(علیها السلام) در جواب سؤال پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مورد تحفه الهی، این جمله را بیان کرد: «**لَا عِلْمَ لِي**». این چه تحفه‌ای بود که جبرئیل(علیها السلام)، مأمور خبرهای غیبی خداوند، نسبت به ماهیت آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند؟ همان‌گونه که در زیارتش به آن اشاره شده است: «**فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَ بَضْعَةُ لَحْمِهِ وَ صَمِيمُ قَلْبِهِ وَ فَلَدُهُ كَبِدُهُ وَ النَّحْيَةُ مِنْكَ لَهُ وَ النُّحْفَةُ**؛ 18»
فاطمه دختر رسول خدا، پاره تن و قوام قلب او، پاره جگرش و آنکه هدیه و تحفه پروردگار برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) بود.»

«**وَلَهَا لَيْسَ نَوَالُهُ إِلَّا نَوَالُ اللَّهِ عَمَّ نَوَالُهُ**؛ 19»

برای آن حضرت (زهرا(سلام الله علیها)) عطا و بخششی است که بالاتر از آن نیست، مگر عطا و بخشش خداوندی که بخشش او همگانی است.»

نزول میکائیل(علیها السلام)، فرشته رزق و روزی، از نکات قابل تأمل در این موضوع است. فرود دو فرشته برای انجام یک امر الهی، یکی حامل پیام و یکی حامل هدیه الهی، همه عظمت یک موضوع را می‌رساند. قرار است چه اتفاقی بیافتد؟

5 - 1. افطار با غذای مخصوص دربار الهی، معجونی از بهشت

جبرئیل(علیها السلام) به پیامبر(صلی الله علیه و آله) گفت:

پروردگار به تو دستور می‌دهد که از این غذا افطار کنی. «**كَشَفَ الطَّبَقَ فَإِذَا عِدْقٌ مِنْ رُطَبٍ وَ عُقُودٌ مِنْ عِنَبٍ فَأَكَلَ النَّبِيُّ(صلی الله علیه و آله) مِنْهُ شَبْعًا وَ شَرَبَ مِنَ الْمَاءِ رِيًّا وَ مَدَّ يَدَهُ لِلْغَسْلِ فَأَفَاصَ الْمَاءَ عَلَيْهِ جَبْرَائِيلُ وَ غَسَلَ يَدَهُ مِيكَائِيلُ وَ تَمَنَّدَ لَهُ إِسْرَافِيلُ ارْتَفَعَ فَاضِلُ الطَّعَامِ مَعَ الْإِنَاءِ إِلَى السَّمَاءِ**؛ 20»

ظرف را آشکار ساخت. در آن، خوشه‌ای خرمای تازه و خوشه‌ای انگور بود. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) از آنها میل فرمودند. بعد از آن، آب نوشید تا سیراب شد. پس اراده فرمود دست‌های خود را بشوید؛ جبرئیل بر دست‌هایش آب ریخت. میکائیل آن را شست و شو داد و اسرافیل با دستمالی خشک کرد. آنگاه اضافه غذا را با ظرف آن به طرف آسمان بردند.»

نکته اول: یکی دیگر از فرشتگان الهی، یعنی اسرافیل(علیها السلام)، به عنوان یک خدمت‌کار در این زمان و برای این موضوع حضور یافته است.

نکته دوم: در بخشی از حدیث آمده که حضرت علی(علیه السلام) می‌فرمایند:

«روش پیامبر(صلی الله علیه و آله) این بود که هنگام افطار به من دستور می‌داد در را باز کنم تا اگر کسی

می‌خواست غذا بخورد، وارد شود؛ ولی در آن شب به من فرمودند: «کنار در بنشین و کسی را راه نده؛ زیرا خوردن این طعام بر غیر من حرام است.»²¹

پس می‌توان گفت این غذا با غذاهای دنیایی بسیار فرق داشت؛ بلکه در میان مائده‌های الهی نیز غذای مخصوص دربار الهی بود.

نکته سوم: در مورد نوع غذایی که باعث انعقاد نطفه وجود

حضرت زهرا(سلام الله علیها) در جسم پیامبر(صلی الله علیه و آله) گردید، چندین نظر بیان شده است:

1. خرما و انگور (همان)؛

2. سیب بهشتی از درخت طوبا؛²²

3. آمیخته شدن عرق جبرئیل؛²³

4. خرما به تنهایی²⁴

از میان موارد فوق، سیب بهشتی از بقیه اهمیت و شهرت بیشتری دارد. از همین‌روست که در زیارت نامه آن

حضرت، ایشان را «تفاحه الفردوس و الخلد؛ سیب بهشت فردوس و خلد»²⁵ خطاب قرار می‌دهیم.

اما می‌توان این نکته را نیز عنوان نمود که هر سه مورد، یعنی سیب، انگور و خرما از بهشت برای پیامبر(صلی الله

علیه و آله) آمده بود و با توجه به دو نکته، می‌توان بین هر سه میوه جمع نمود:

الف) از مهم‌ترین درختان بهشتی، درخت طوبا است. در فرمایش امام رضا(علیه السلام) خطاب به اباصلت آمده است:

«إِنَّ شَجَرَةَ الْجَنَّةِ تَحْمِلُ أَنْوَاعاً ... وَ لَيْسَتْ كَشَجَرَةِ الدُّنْيَا»²⁶

همانا درخت بهشتی انواع میوه‌ها را دارد و مانند درخت دنیایی نیست. بنابراین درخت طوبا می‌تواند هر نوع

میوه‌ای را در بر داشته باشد.»

ضمن اینکه در برخی از روایات، نام اختصاصی از میوه برده نشده و فقط اشاره شده که جبرئیل(علیها السلام) از

میوه‌های طوبا به پیامبر(صلی الله علیه و آله) دادند؛ مانند این حدیث:

«هنگامی که عایشه به بوسیدن مکرر حضرت فاطمه(سلام الله علیها) توسط پیامبر(صلی الله علیه و آله) اعتراض

کرد، رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به او فرمودند:

«يَا عَائِشَةُ! إِنِّي لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّةَ فَأَدْنَانِي جِبْرِيلُ مِنْ شَجَرَةٍ طُوبَى وَ نَاوَلَنِي مِنْ ثِمَارِهَا فَأَكَلْتُهُ

فَحَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ مَاءً فِي ظَهْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَاقَعْتُ خَدِيجَةَ فَحَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ»²⁷

ای عایشه! هنگامی که به معراج رفتم، به بهشت وارد شدم. جبرئیل مرا به نزدیک درخت طوبی برد و از میوه‌های

آن به من داد. پس آن را خوردم. خداوند آن را به آبی در پشت من تبدیل کرد و هنگامی که به زمین فرود آمدم در

اثر مواقعه با خدیجه، به فاطمه باردار گشت.»

ب) خوردن این میوه‌ها در مراحل مختلف صورت گرفته است. در معراج، بحث میوه سیب و درخت طوبی برای

پیامبر(صلی الله علیه و آله) مطرح شده و بعد از آن، در زمین رطب و انگور و در جمع باعث ایجاد نطفه آن بانوی

اسلام گردیده است و به نظر می‌آید آمیختگی عرق جبرئیل(علیه السلام) در موقع حمل آن غذا صورت گرفته

باشد؛ نه به عنوان یکی از اجزای اصلی.

6 - 1. تعجیل پیامبر(صلی الله علیه و آله) در مواجهه با حضرت خدیجه(سلام الله علیها) به امر الهی

پس از آنکه پیامبر(صلی الله علیه و آله) از آن غذای بهشتی و الهی خورد، برخاست تا برای نماز آماده شود.

جبرئیل(علیها السلام) او را از نماز خواندن منع نمود و به او فرمود:

«الصَّلَاةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَيْكَ فِي وَفَّتِكَ حَتَّى تَأْتِيَ إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ فَنُؤَاقِعَهَا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ آلَى عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَخْلُقَ مِنْ صُلْبِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً فَوَتَّبِ رَسُولُ اللَّهِ(ص) إِلَى مَنْزِلِ خَدِيجَةَ؛ 28

اکنون وقت نماز نیست؛ بلکه باید به خانه خدیجه روی و با وی همبستر گردی. خداوند اراده فرمود که امشب از صلب شما فرزندی پاک بیافریند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به دنبال این فرمان، فوری به طرف خانه خدیجه روان گردید.»

از عبارت «وَتَّبِ الی؛ 29 پرید، برجست.» می‌توان فهمید که اولاً امر الهی وجوب فوری داشته است و ثانیاً پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) به خاطر علاقه وافر که به همسر خویش داشت، به محض رخصت الهی برای دیدار حضرت خدیجه(سلام الله علیها)، به منزل ایشان رفت و این عشق دو طرفه بود؛ زیرا در حدیث آمده است که حضرت خدیجه(سلام الله علیها) هنگامی که صدای پیامبر(صلی الله علیه و آله) را شنید، با شادمانی و خوشحالی فراوان در را باز کرد.

«قَالَتْ خَدِيجَةُ فَقُمْتُ فَرِحَةً مُسْتَبْشِرَةً بِالنَّبِيِّ(صلی الله علیه و آله) وَ فَتَحْتُ الْبَابَ» 30

پیامبر(صلی الله علیه و آله) هر شب طبق عادت، در بدو ورود به خانه، وضو می‌ساخت و دو رکعت نماز مختصر می‌خواند، سپس در بستر قرار می‌گرفت؛ ولی در آن شب ظرف آبی طلب نکرد و برای نماز خواندن آماده نشد و این همان مطلب قبلی، یعنی سرعت و تعجیل در تنفیذ امر الهی را اثبات می‌کند. آری، امر الهی.

7 - 1. احساس بارداری در همان لحظات اول برای حضرت خدیجه(سلام الله علیها)

در آن شب نورانی، نطفه حضرت فاطمه(سلام الله علیها) به امر الهی از صلب نبوت به رحم مطهر منتقل شد و این نکته مهمی بود که در جمله حضرت خدیجه(سلام الله علیها)، هویداست؛ اینکه برخلاف تمام انعقاد نطفه‌ها، حضرت خدیجه(سلام الله علیها) از همان لحظه متوجه باردار شدن خود گردید.

«فَلَا وَ الَّذِي سَمَكَ السَّمَاءَ وَ أَنْبَعَ الْمَاءَ مَا تَبَاعَدَ عَنِّي النَّبِيُّ(صلی الله علیه و آله) حَتَّى حَسِسْتُ بِثَقْلِ فَاطِمَةَ فِي

سوگند به آنکه آسمان را برافراشت و آب را از چشمه‌ها جاری ساخت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در آن شب از من دور نگردید، مگر اینکه سنگینی حمل فاطمه (سلام الله علیها) را در وجود خود احساس کردم.» یکی از بیشترین بحث‌هایی که در مورد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مطرح شده است، تناسب ایشان با درخت طوبی است که به جرئت می‌توان گفت میوه‌های درخت طوبی، اصل و اساس وجود مقدس حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را تشکیل داده‌اند؛ یعنی عصاره‌ای از بهشت.

8 - 1. نقش درخت طوبا در تولد حضرت زهرا (سلام الله علیها)

به دلیل اهمیت موضوع و نقش طوبی در تولد و ازدواج آن حضرت، به توضیح مختصری در مورد طوبا و چند نمونه از احادیث آن اشاره می‌گردد.

در زبان هندی و حبشی، طوبی یکی از نام‌های بهشت است³² و اصل ماده آن به معنای دوری از آلودگی ظاهری و باطنی است و متضاد آن خُبْتُ می‌باشد.³³ مرحوم طبرسی در تفسیر خود، ده مورد معنی را در زیر آن می‌آورد.³⁴ در مجموع می‌توان گفت هر کدام از آن موارد به جنبه‌ای از آن اشاره دارد.

واژه طوبا به همراه مشتقاتش پنجاه بار در قرآن کریم به کار رفته است. خود این واژه، به طور اختصاصی در آیه 29 «سوره رعد» آمده است:

«طوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآبٍ.»

9 - 1. طوبا و حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

در مورد تولد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و کیفیت پیش از آن و همچنین زندگی و ازدواج آن حضرت در ارتباط با شجره طوبا احادیثی آمده که به اختصار به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم تا پرده‌ای دیگر از حقیقت طوبی و نقش طوبی در تولد آن بانو، برای ما برداشته شود.

پیش‌تر بیان گردید که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ماجرای ورود به بهشت و خوردن میوه درخت طوبی و

تبدیل آن به نطفه صدّیقه کبرا(سلام الله علیها) را برای عایشه و (زنان دیگر خویش) بیان کرد. در آخر حدیث آمده: «فَكَلَّمَا اِسْتَقْتُ اِلَى الْجَنَّةِ قَبْلُهَا وَ مَا قَبْلُهَا اِلَّا وَجَدْتُ رَائِحَةً شَجَرَهُ طُوبَى مِنْهَا، هِيَ حَوَاءُ اَنْسِيَّةُ؛ 35

پس هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم، او را می‌بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می‌کنم. او [حضرت فاطمه(سلام الله علیها)] فرشته‌ای با ظاهر انسانی است.»

این حدیث، بسیار مشهور و معروف است که بیان می‌کند حضرت فاطمه(سلام الله علیها) چه تناسبی با درخت طوبا دارد. فاطمه زهرا(س) در حدیثی این‌گونه معرفی شده است:

«الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى، رَاحَةُ رُوحِ الْمُصْطَفَى، حَامِلَةُ الْبَلَوَى مِنْ غَيْرِ فَزَعٍ وَ لَا شَكْوَى وَ صَاحِبَةُ شَجَرَةِ طُوبَى؛ 36

صدّیقه کبرا، آرامش روح پیامبر(صلی الله علیه و آله) و حمل‌کننده بلاها بدون گله و شکایتی و جزع و فزع و صاحب درخت طوبی است.»

صدّیقه طاهره، حضرت فاطمه(سلام الله علیها) در خطبه مفاخره خود با همسرش امیرالمؤمنین، علی(علیها السلام) در عباراتی خود را این‌گونه معرفی می‌کند:

«اَنَا ثَمَرَةُ فُؤَادِهِ [فُؤَادِ النَّبِيِّ(صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)] وَ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَائِهِ وَ عُصْنٌ مِنْ أَغْصَانِهِ ... اَنَا ابْنَةُ سَدْرَةِ الْمُنْتَهَى ... اَنَا الشَّجَرَةُ الَّتِي تَخْرُجُ أَكْلُهَا، أَعْنَى الْحَسَنِ(عَلَيْهِ السَّلَام) وَ الْحُسَيْنِ(عَلَيْهِ السَّلَام)؛ 37

من میوه قلب پیامبر(صلی الله علیه و آله) و عضوی از اعضای او و شاخه‌ای از شاخه‌های آن هستم. من دختر سدره المنتهی هستم. من درختی هستم که میوه‌هایش خارج می‌گردد؛ منظورم حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) است.»

در مورد ازدواج حضرت امیرالمؤمنین، علی(علیه السلام) و حضرت فاطمه(سلام الله علیها) «مَرْجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» 38 باید گفت که چون حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) صاحب عصمت بود، کُفو او نیز باید صاحب عصمت باشد و مرد غیر معصوم را بر زن صاحب عصمت راهی نیست. در ازدواج آنها همانند ازدواج پیامبر(صلی الله علیه و آله) و

حضرت خدیجه(سلام الله علیها) آمده که «درخت طوبا» از جانب خداوند دستور یافته که دُرهای خود را نثار بهشتیان کند. در اینجا بود که پیک مخصوص، پیدایش حسن(علیه السلام) و حسین(علیه السلام) را در اثر این ازدواج به پیامبر گرامی(صلی الله علیه و آله) نوید می‌دهد:

«سَيُولَدُ مِنْهَا وَلَدَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ بِيَهُمَا تَزَيَّنَ أَهْلُ الْجَنَّةِ؛ 39

از آن ازدواج، دو سرور جوانان اهل بهشت متولد خواهند شد که به وسیله آن دو مولود، اهل بهشت تزیین می‌شوند.»

صاحب «المناقب» در مورد درخت طوبا و ازدواج حضرت فاطمه(سلام الله علیها) می‌آورد:

«نَصَبَ الْجَلِيلُ لَجَبْرَيْلَ مِنْبَرًا فِي ظِلِّ طُوبَى مِنْ مُتُونِ زَبْرَجِدٍ / شَهِدَ الْمَلَائِكَةُ الْكَرَامُ وَ رَبُّهُمْ وَ كَفَى بِهِمْ وَ بِرَبِّهِمْ مِنْ شُحْدٍ / وَ تَنَاثَرَتْ طُوبَى عَلَيْهِمْ لَوْلَا وَ زَمَرْدًا مُتَتَابِعًا لَمْ يَعْقِدْ / وَ مَلَكَ فَاطِمَةُ الَّذِي مَا مِثْلُهُ فِي مَتَهُمْ شَرَفٍ وَ لَا فِي مَنْجِدٍ؛ 40

در بحث ازدواج حضرت امیرالمؤمنین، علی(علیه السلام) و حضرت فاطمه(سلام الله علیها) علاوه بر درخت طوبا، درخت سدر نیز مأمور نثار کردن دُرهای خود به میمنت این ازدواج شد.

عن جابر بن عبد الله، قال لما زوّج رسول الله(صلی الله علیه و آله) فاطمة(سلام الله علیها) من علي(علیه السلام) أنه ناس من قُريش فقالوا إِنَّكَ زَوَّجْتَ عَلِيًّا بِمَهْرٍ خَسِيسٍ فَقَالَ مَا أَنَا زَوَّجْتُ عَلِيًّا، وَ لَكِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - زَوَّجَهُ ... ،

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى السَّدْرَةِ أَنْ انْثَرِي مَا عَلَيْكَ، وَ نَثَرْتَ الدُّرَّ وَ الْجَوَاهِرَ وَ الْمَرْجَانَ...؛ 41

از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است، هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را به ازدواج امیرالمؤمنین (علیه السلام) درآورد، گروهی از قریش نزد وی آمدند و گفتند: شما او را با مهر ناچیزی به ازدواج علی (علیه السلام) درآوردید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «من او را به ازدواج علی (علیه السلام) درنیاوردم؛ بلکه خداوند آن ازدواج را منعقد کرد و ... خداوند به سدره المنتهی دستور داد تا آنچه که دارد بر فاطمه (سلام الله علیها) نثار کند. پس آن دُر و جواهر و مرجان خود را نثار نمود.»

در «تفسیر عیاشی»، حدیثی آمده است که مقام زهرا (سلام الله علیها) را اینگونه بیان می‌کند:

لَقَدْ نَحَلَ اللَّهُ طُوبَى فِي مَهْرِ فَاطِمَةَ (سلام الله علیها) وَ جَعَلَهَا فِي دَارِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام)؛ 42

خداوند درخت طوبا را در مهر حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به او بخشید و آن را در خانه علی (علیه السلام) قرار داد.

عبدالله شعرانی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» آورده است:

اگر تو بگویی اصل شجره طوبی در کدام منزل از بهشت است، جواب این است که محیی الدین در «فتوحات» و شیخ ابن ابی منصور در رساله خود گفته‌اند: اصل شجره طوبی در منزل علی بن ابی طالب (علیه السلام) است، به سبب اینکه شجره طوبی حجاب مظهر نور فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. پس هیچ یک از هشت در بهشت و نه خانه‌ای و نه مکانی به آن درجه نیست؛ مگر اینکه در آن شاخه‌ای از شجره طوبی است که غالب مردم نمی‌دانند اصل آن در کجاست ... و تمامیت این نعمت نیست، مگر به جهت اینکه سر هر نعمتی که در بهشت است و هر نصیبی که در آن به اولیا می‌رسد، مُتَفَرِّعٌ از نور فاطمه (سلام الله علیها) است. 43

بنابراین، مرتب او را می‌بوسید و می‌فرمود:

«فَكَلَّمَا اسْتَقْتَتْ إِلَى الْجَنَّةِ قَبْلَتْهَا وَ مَا قَبَّلَتْهَا إِلَّا وَجَدَتْ رَائِحَةَ شَجَرَةِ طُوبَى مِنْهَا؛ 44

هر گاه که مشتاق بهشت می‌شوم، او را می‌بوسم و بوی درخت طوبی را استشمام می‌کنم.»

نیز جمله «فَإِنَّا إِذَا اسْتَقْتَتْ إِلَى الْجَنَّةِ أَدْنَيْتُهَا (فاطمه) فَشَمَمْتُ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ 45

پس من هنگامی که مشتاق بهشت می‌شوم، به او نزدیک می‌شوم و بوی بهشت را استشمام می‌نمایم.»

حال به وجود حرف «ط» در این واژه‌ها نگاهی بیندازیم: مصطفی، فاطمه، علی بن ابی طالب. ضمن اینکه در نام دیگر ائمه حرف «ط» دیده نمی‌شود. از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده که وی به نقل از پدرانش فرمودند:

«از پیامبر درباره طوبی سؤال شد. فرمود: «درختی است که اصل آن در خانه من و شاخه‌های آن در خانه‌های اهل بهشت است.» سپس بار دیگر از حضرتش سؤال کردند. فرمود: «اصل آن در خانه علی است.» علت را سؤال کردند. فرمود: «خانه من و علی در بهشت، در یک مکان است.» 46

طوبی به وجود هر سه گره خورده است. بار دیگر به حرف «ط» در این آیه دقت کنیم. «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» 47

فاطمه کوثر است و نور خدا «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ...» 48 راز فاطمه «و السِّرُّ الْمُسْتَوْدَعُ فِيهَا» 49 تا ظهور ناظر طوبی، یعنی حضرت ولی عصر (عج) پا برجاست.

2. اسرار، کیفیّت و نکات مربوط به ولادت

در مورد تاریخ تولّد حضرت فاطمه (سلام الله علیها) اندکی اختلاف وجود دارد؛ اما از نظر دوست‌داران و پیروان حقیقی آن حضرت، تمسّک به نقل ائمّه اطهار (علیه السلام)، صحیح‌ترین و قطعی‌ترین تاریخ، پنج سال بعد از بعثت، در بیستم جمادی‌الآخر هجری قمری است. در مورد سال‌های ازدواج و شهادت ایشان، چندان مورد اختلاف وجود ندارد؛ یعنی ازدواج در سال اوّل یا دوم هجرت و شهادت در تاریخ یازدهم هجرت؛ اما در اینکه حضرت در این وقایع چه سنّی داشته‌اند، مورد اختلاف است و آن به تعیین زمان ولادت ایشان بستگی دارد.

آنچه که مسلم است، ولادت آن حضرت بنا بر روایات بعد از بعثت اتفاق افتاده است:

أَنَّ فَاطِمَةَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) وَلِدَتْ بَعْدَ مَا أَظْهَرَ اللَّهُ نُبُوَّةَ أَبِيهَا بِخَمْسِ سِنِينَ وَ قُرَيْشٌ تَبْنِي الْبَيْتَ وَ رُويَ أَنَّهَا وَلِدَتْ فِي جُمَادَى الْآخِرَةِ يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْهُ سَنَةً خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ)؛ 50

همانا فاطمه (سلام الله علیها) بعد از اینکه خداوند نبوّت پدرش را آشکار کرد، متولّد شد. حضرت فاطمه (س) در سال پنجم، در حالی که قریش «خانه کعبه» را بنا یا تعمیر می‌کرد، در روز 20 جمادی‌الآخر در سنّ 45 سالگی پیامبر (صلی الله علیه و آله) متولّد شد.

همچنین آمده است:

رُويَ أَنَّ فَاطِمَةَ (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهَا) وَلِدَتْ بِمَكَّةَ بَعْدَ الْمَبْعَثِ بِخَمْسِ سِنِينَ وَ بَعْدَ الْأَسْرَى [الإِسْرَاءِ] بِثَلَاثِ سِنِينَ فِي الْعِشْرِينَ مِنْ جُمَادَى الْآخِرَةِ؛ 51

روایت شده که فاطمه (سلام الله علیها) در «مکه»، پنج سال بعد از بعثت - سه سال بعد از معراج - در روز بیستم جمادی‌الآخر متولّد شده است.

به نظر قوی، این بازسازی کعبه برای بار دوم بوده است.

تاریخ ولادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مسئله بسیار مهمّی است؛ زیرا ثبت دقیق این وقایع، مستندات تاریخی را قوی‌تر می‌کند و مسئله ازدواج و به خصوص شهادت آن حضرت را نیز دقیق‌تر و آشکارتر می‌سازد و شاید همین اختلاف در ولادت ایشان، همانند مخفی بودن قبرش از اسرار الهی باشد. البتّه ما در این نوشتار در پی اثبات زمان و سال تولّد ایشان نمی‌باشیم. درباره حوادث، رویدادها و نکات زمان تولّد ایشان می‌توان به نکات زیر اشاره نمود:

1 - 2. تکلم حضرت فاطمه (سلام الله علیها) با مادر خویش در زمان بارداری

هنگامی که حضرت خدیجه (سلام الله علیها)، با پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فردی یتیم و فقیر بود، ازدواج نمود، زنان مگه از او دوری می‌گزیدند، به او وارد نمی‌شدند و سلام نمی‌کردند. از این رو، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) احساس تنهایی می‌نمود.

فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ (سلام الله علیها) صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَدَخَلَ يَوْمًا وَ سَمِعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةُ مَنْ يُحَدِّثُكَ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي؛ 52

زمانی که به فاطمه باردار شد، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در بطن حضرت خدیجه با او حرف می‌زدند و او را به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمودند. حضرت خدیجه حرف زدن فاطمه (سلام الله علیها) با خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخفی می‌کرد تا اینکه روزی رسول خدا شنید که حضرت با فاطمه (سلام الله علیها) صحبت می‌کنند. فرمودند: «با چه کسی سخن می‌گویی؟» عرض کرد: جنینی که در شکم من است، پیوسته با من حرف می‌زند و موجب آرامش من می‌شود.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) علاوه بر لقب امّ ابیها، مادر خود را نیز در حالت جنینی، به صبر و شکیبایی دعوت می‌نمود.

2 - 2. بشارت به دختر بودن جنین و ادامه نسل با برکت پیامبر (صلی الله علیه و آله) توسط آن جنین

پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت خدیجه (سلام الله علیها) فرمودند:

«هَذَا جَبْرِئِيلُ يُبَشِّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَمِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَهُ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ؛ 53

جبرئیل به من خبر داد که آن جنین دختر است و نسلی پاک و مطهر دارد و خداوند متعال نسل مرا از ذریّه او قرار خواهد داد و از نسل او امامانی خواهند آمد که پس از من و بعد از اتمام وحی، خلیفه‌های الهی بر روی زمین خواهند بود.»

نکته مهمّ این قسمت، آن است که معمولاً نسل هر فردی از طریق فرزند ذکور وی ادامه می‌یابد و اصطلاحاً به کسی که فرزند پسر ندارد، ابتر می‌گویند؛ ولی از رازهای دیگر وجود مقدّس حضرت زهرا (س) این است که در آن جامعه جاهلی و دیدگاهی که نسبت به دختر داشتند، نسل برترین انسان جهان هستی از طریق او ادامه می‌یابد و خلیفه‌های الهی از دامن او رشد یافته و زمینه‌ساز سعادت انسانی می‌گردند.

3 - 2. حضور چهار زن برتر جهان هنگام تولد

هنگامی که زمان فارغ شدن و وضع حمل زنی می‌رسد، معمولاً زن‌ها برای کمک به او می‌شتابند؛ ولی هنگامی که حضرت خدیجه (سلام الله علیها) به زنان قریش و بنی‌هاشم پیغام کمک فرستاد، آنها با کینه‌ای که از ازدواج ایشان با پیامبر (صلی الله علیه وآله) به دل داشتند، از کمک به او سر باز زدند و به یاری او نیامدند. در این هنگام، خدایی که تمام مقدمات و برنامه‌ریزی خود را برای تولد این بانو، آماده و مهیا ساخته بود، رسولان خود را برای یاری فرستاد:

«دَخَلَ عَلَيْهَا رَبُّعُ نِسْوَةٍ طَوَالٍ كَأَنَّهِنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ فَفَزَعَتْ مِنْهُنَّ فَقَالَتْ لَهَا إِحْذَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةُ فَإِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ صَفْرَاءُ [صَفُورَاءُ] بِنْتُ شُعَيْبٍ؛ 54

چهار زن بلند قامت و نورانی بر او وارد شدند که بیشتر، زنان بنی‌هاشم بودند. حضرت خدیجه چون آنها را دید، ترسید. یکی از آنان گفت: ای خدیجه! ناراحت مباش؛ چرا که ما را پروردگارت به سوی تو فرستاده است. ما خواهران تو هستیم؛ من ساره هستم و ایشان آسیه، دختر مزاحم، رفیق تو در بهشت، این مریم، دختر عمران و ایشان صفورا، دختر شعیب است. چهار زن برتر جهان، همراه حضرت خدیجه (سلام الله علیها) از برای چنین امر مهمی مأمور شده و کمر به خدمت چنین وجودی بسته بودند.

4 - 2. نورانی شدن خانه‌های مکه و سرتاسر غرب و شرق زمین

«فَلَمَّا سَقَطَتْ إِلَى الْأَرْضِ أَشْرَقَ مِنْهَا النُّورُ حَتَّى دَخَلَ بُيُوتَاتِ مَكَّةَ وَ لَمْ يَبْقَ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ لَا غَرْبِهَا مَوْضِعٌ إِلَّا أَشْرَقَ فِيهِ ذَلِكَ النُّورُ؛ 55

پس هنگامی که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پا به عرصه زمین نهاد، نوری عظیم از ایشان بلند شد تا اینکه این نور به تمام خانه‌های مکه داخل شد و در شرق و غرب زمین، جایی از این نور خالی نماند. این همان «مثل نور گمشکا» 56 و «نور الله» 57 است.

شکوفه‌ها، شگفت‌زده از طراوات نوزادی شدند که عطر خدا را به همراه داشت و ستارگان، خیره در سیمای طفلی شدند که نور آفریدگار در آن باز تابیده بود و حضرت خدیجه (سلام الله علیها) شادمان از ولادت دختری که بوی عصمت می‌داد و طعم بهشت داشت.

5 - 2. خوراندن آب کوثر به حضرت فاطمه (سلام الله علیها)، شست و شو با آن و لباس های بهشتی

پس از آنکه حضرت متولد شد، زنی که در مقابل حضرت خدیجه (سلام الله علیها) بود، آن نوزاد را گرفت، اندکی از آب کوثر که قبلاً توسط حورالعین آماده گشته بود، به او خورانید و در آب کوثر شست و شو داد و با دو پارچه سفید رنگ که از شیر، سفیدتر و از مشک و عنبر خوشبوتر بودند، یکی را بر بدن نوزاد و دیگری را بر سر او بست. 58
این نوزاد همان کوثر، حقیقت خیر فراوان است که خداوند وعده اش را به پیامبر (صلی الله علیه و آله) داده بود که: «ما به تو کوثر عطا می کنیم.»

6 - 2. شهادت بر توحید، نبوت و امامت، اولین و آخرین رسالت

حضرت فاطمه (سلام الله علیها)
نوزاد در بدو تولد خود، لب به سخن گشود:
«فَنَطَقْتُ فَاطِمَةُ (سلام الله علیها) بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَنَّ بَعْلِي سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ وَ أَنَّ وَلَدِي سَيِّدُ الْأَسْبَاطِ ثُمَّ سَلَمْتُ عَلَيْهِنَّ وَ سَمَّيْتُ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ بِاسْمِهَا؛ 59
خدایی جز الله نیست. پدرم رسول خداست و سرور تمام انبیا. همسر من علی مرتضی (ع)، سرور تمام اوصیا و فرزندان حسن و حسین: سرور تمام بنی آدم.
سپس نام تک تک فرزندان [معصومش] را برد و بر آنها سلام کرد.»
اینکه دیگران چه می اندیشیدند، مهم نیست؛ ما را همین حدیث بس است برای صراط مستقیم. آنهایی که این حدیث را باور ندارند، به سراغ آیات «قرآن کریم» بروند؛ آن هنگام که حضرت مریم (سلام الله علیها) فرزند خود را به روی دست به میان آماج تیر تهمت ها و ناسزاها آورد، حضرت عیسی (علیه السلام) لب به سخن گشود و فرمود:

«إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا؛ 60

من بنده خدایم. به من کتاب داده است و مرا پیامبر قرار داده است.»

حال چگونه این نوزاد سخن نگوید که خود، دختر اشرف انبیا و همسر و مادر یازده انسان برتر از حضرت عیسی (علیه السلام) است؟

7 - 2. بشارت اهل بهشت برای تولّد حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

در بخشی از حدیث آمده است که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به حورالعین بهشتی لبخند زد: «صَحِيحَن إِلَيْهَا وَ تَبَاشَّرَتِ الْخُورُ الْعَيْنُ وَ بَشَّرَ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَعْضُهُمْ بَعْضاً بِوِلَادَةِ فَاطِمَةَ (سلام الله علیها)؛ 61 حورالعین و اهل بهشت یکدیگر را برای تولّد فاطمه (سلام الله علیها) بشارت گفتند.» این چنین است که خداوند و بهشت به وجود او افتخار می کند. وَافْتَخَرَ جِبْرِئِلُ بِكَوْنِهِ مِنْهُمْ؛ 62 جبرئیل از اینکه از آنها (خاندان پیامبر) باشد، افتخار می کند.

8 - 2. رشد معجزه سان حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

كَانَتْ تَنُمِي فِي كُلِّ يَوْمٍ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي شَهْرٍ وَ فِي شَهْرٍ كَمَا يَنُمِي الصَّبِيُّ فِي سَنَةٍ؛ 63 حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در هر روز به اندازه ای رشد می کردند که بچه های دیگر در ماه به آن اندازه رشد می کنند و هر ماه تا به حدّی که بچه های دیگر در یک سال.

9 - 2. اذان و اقامه گفتن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در گوش حضرت فاطمه (سلام الله علیها)

از حضرت علی(علیه السلام) روایت شده:

«هنگامی که فاطمه(سلام الله علیها) متولد شد، پیامبر(صلی الله علیه وآله) وارد شد و در گوش راست حضرت فاطمه(سلام الله علیها) اذان و در گوش چپ او اقامه گفت و پیامبر(صلی الله علیه وآله) با هر کس مانند این انجام داد، از شیطان در امان ماند.»⁶⁴

و این تازه آغازی بود برای رازهای پیچیده حضرت فاطمه(سلام الله علیها) و ما فقط می‌توانیم بگوییم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسَّرَّ الْمُسْتَوْدِعِ فِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

و از او بخواهیم: «یا فاطمه! اِشْفَعِي لَنَا فِي الْجَنَّةِ»

لَا تَقَسَّ فَضْلَهُمْ لِلْأَنْبِيَاءِ أَجَلَ فَإِنَّ سَلْمَانَهُمْ بَعْدَ تَصْغِيرِ سَلِيمَانُ؛⁶⁵

فضل و برتری آنها را با انبیا قیاس نکن؛ همانا سلمان آنها را اگر (با لفظ) کوچک کنی، سلیمان می‌شود.